

## خجسته روز

### مادر

از محبت سرشار سلامت میکنم  
تورا در خود و خود را در تو میبینم  
ندای رسید از آنسوی از مادرم  
صبحدم با طلوع آفتاب ترا بینم  
بیا زود که آغوش مادرت خالیست  
دو دیده ام بیتو خاکستری بیند

### مادر

من از تو طعم نوازش چشیده ام  
فردای که به انتظارش نشسته ای  
با تولد فردا که روز مادر است  
مانند گیاه در دامانت بالیده ام  
حالا که گیسوانت به سپیدی میرود  
مادر مقدمت را جاودانی میگیرم

ای وای از تو شیر گرمی مکیده ام  
قسم به آنروز که مرا قنداق بسته ای  
چی خجسته روز که به مانند جوهرست  
به بستر محبت ات آرامیده ام  
حق است که فراموش ناشدنی میرود  
به دعوت فردا آماده گی میگیرم

### در جستجوی مادر

چی گویم برایت از ملك دور مادر  
در سینه دارم رازی به تو مادر  
آیم به سویت پرسم احوال تو  
تو از بهشتی ندانم در کجای تو  
مادر گفته به هر کوچه و همه شهر  
من زار و نالان در خرابه های شهر  
ای وای مرا به دریافتش یاری دهید  
تا بیابم جایش را نشانی گوید  
روزی بیافتم جای دایمی او را  
ترکم گفته مدفن نموده زنده گی را  
فریاد زدم و بیداد کردم بر سر خاکش  
مادرم رامدفن دیدم در خاک اجدادش  
با دو دست بهرش دعا گفتم این طریقت است  
از دور ندا رسید که جایش در جنت است

## یادگار

مادر در کجای  
در روانم یا که در خاک اجدادم  
به همه مهربانی های تو  
بیاد هر لحظه ای از خوشی های تو

هر صحنه ای از زنده گانی ات  
در جلو چشمانم نقش می بندد  
یادی از روزگاران قدیم  
که در کناری پدرم می نشست  
در پای صحبت های شیرین  
فراموشم نمی شود هرگز  
در افکارم در روانم  
همه ای آن زنده است  
در خفا و در تنهای  
با تو در صحبتم  
همان نگین عقیقی که از تو دارم  
بمانده است برایم یادگار

بلقیس مل